

<div>ایران</div>	
<div><div>مسابح امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی</div><div><div>مدیرمسئول: مهدی شفیعی سردبیر: جواد دلیری</div></div></div>	
<div><div>آذآن قهر ۱۲/۱۵</div><div>آذآن مغرب ۱۷/۳۸</div><div>نییم شب شرعی ۲۳/۳۱</div><div>آذآن صبح فردا ۵/۴۴</div><div>طلوع آفتاب فردا ۷/۱۲</div></div>	
<div><div>امام‌رضاع): از نشانه‌های دین فهمی، حلم و علم است و خاموشی درِی از درهای حکمت است.</div><div>خاموشی و سکوت، دوستی آورو راهنمای هرکار خبری است.</div></div>	
<div><div>سخن روز</div></div>	
<div><div>اصول کافی، ج ۴،ص ۲۴۵</div></div>	



بازنشر می‌شد و خیلی‌ها از نگرانی‌شان برای موج جدید کرونا می‌نوشتند و البته از رعایت نکردن پروتکل‌ها و برگزاری تجمع‌ها هم گلایه می‌کردند: «واقعاً لجم درمیداد. انگار فقط ما به‌خاطر کرونا و آلودگی هوانمی‌ریم بیرون. تمام اینستارگام من در سفر گاهن هستن...». «وقتی زنگ می‌زنی که با ماشین از جاده هراز رفتی ویلا ی تازه خریددت؛ و میگی ۱۵۰ تومن رشوه دادی؛ یادت نمیداد همین چند وقت پیش از رشوه و کار راه ننداختن در اداره‌ها، شاک ی بودی...». «باتوجه به شرایط وضعیت حاد کرونا ویروس درکشور و به‌خطر انداختن جان هموطنان عزیز، ازدستگاه قضا تقاضا داریم عاملین و آمرین که خودسرانه

حراج پر حاشیه

قیمت ۱۲ میلیارد تومانی برای تابلویی از آیدین آغداشلو و فروش آن در حراج تهران دیروز هم یکی از بحث‌های مهم در شبکه‌های اجتماعی بود. با توجه به حرف‌هایی که در چند ماه گذشته درباره این نقاش توسط زنان مختلف زده شد خیلی‌ها این قیمت و رکوردزنی را در تمام دوره‌های حراج تهران توهین به زنان می‌دانستند اما در مقابل کسانی هم معتقد بودند که تا دادگاهی برگزار نشده نمی‌توان به آغداشلو و این حراج خرده گرفت. البته کسانی هم بودند که به شباهت‌های نقاشی آغداشلو به یک تابلوی دوره رنسانس اشاره می‌کردند: «هیچ کس برای تابلوی آیدین آغداشلو ۱۲ میلیارد تومان پول نداده است. این نمایش مافیای آثار هنری است که از یک طرف می‌خواهد حیثیت برباد رفته استاد را بازگرداند و از طرفی وانمود کند صدای مظلومان به جایی نرسیده است.»، «شفافیت باید صورت



خسرو سینایی: من به‌دنبال هنر پیشه‌ها نبودم

کل صحبت من حول محور فرهنگ می‌چرخد و سینما برای من جز یک ابزار فرهنگی نیست. من به‌دنبال هنرپیشه‌ها نبودم و چیزی که مرا به‌سینما جذب کرد، امکان تلفیق هنرهای مختلف در آن بود. بگذاریم تا همه در کنار هم کار کنند. به هر حال به‌عنوان یک فیلمساز با ۲۵ سال تجربه کار مداوم عملی فقط می‌توانم به نسل جوانان فیلمساز توصیه کنم: «گر مردی غرقه به خون باید رفت...» اما اگر در طبیعت شما خصلت‌های لازم برای فیلمسازی نهفته باشد، هرگز از انتخاب راهتان بشیمان نخواهید بود. زمانی گفته بودم: «فیلمسازی یک حرفه نیست، یک نوع زندگیست!» محمدعلی حیدری، محقق سینما، بخشی از مصاحبه منتشر نشده‌اش را با خسرو سینایی به بهانه سالروز تولد او منتشر کرد.

چند نکته درباره «نیمکتی» که دنبال جایی برای اجرا می‌گرد

تئاتر ضیافتی انسانی است

تئاتر (علی‌الخصوص تئاتر به دلیل هر آن‌چه همه می‌دانند و نیاز به تکرار و گفتن به‌بیدپشت نیست) این روزها به حمایت واقعی نیاز دارند و چشم و دل‌شان به دست‌ها و قدم‌هایی است که در مسیر حمایت از آن‌ها گام بردارد تا شور و انگیزه‌شان در این روزهای خطیر از بین نرود و با امید به آینده این روزها را بگذرانند. شخصاً به عنوان عضوی از خانواده تئاتر، هر آن‌چه را فکر می‌کردم از توانم برمی‌آید انجام دادم و بردن این تئاتر روی صحنه که کمترین هزینه و بودجه و حمایتی می‌طلبد یکی از این کارهاست که به لحاظ متن و نوع اجرا می‌تواند امیدبخش باشد و کمکی به دردهای جامعه کند؛ از نظر من تئاتر در هر شکل و نوعش یک ضیافت است؛ چون زنده است هر جایی می‌شود آن را اجرا کرد و در «نیمکت» هم می‌خواهم روی این نکته تأکید کنم که مسأله تئاتر انسان است. این نمایش روایتگر پیرزنی است که می‌گوید فقط ۴۵ دقیقه دیگر زنده است و در این فرصت صفحات آگهی تسلیت روزنامه را می‌خواند و یاد می‌کند از درگذشتگان. هدف این است که بگوییم ما می‌توانیم انسان را روایت کنیم و از او حرف بزنیم و مشکلش را به زبان تئاتر بیان کنیم چون همان‌گونه که مطرح شد خمیصه و دغدغه تئاتر انسان است. همین زنده بودن تئاتر است که باعث می‌شود نویسنده و کارگردانی مثل من دوازده بار نمایشنامه «نیمکت» را طی سال‌های گذشته منطبق بر اتفاقات و رخداد‌های جامعه بازنویسی کند و در آخرین بازنویسی هم تگاهی به وضعیت جهان و جامعه امروزی داشته باشد که اسیر گولی به نام کرونا شده است.

مروری بر دفتر شعری از مژده لواسانی

از نوع عاشقانه‌های فراقی

«به چهل سالگی ات رسیدم» دومین کتاب مژده لواسانی است که پس از نخستین کتاب او تحت‌عنوان «خون اثار گردن پاییز است» که مجموعه‌ای از شعرها و نثرهای شاعرانه بود و توسط نشر نیستان منتشر شده بود، به تازگی توسط نشر نگاه منتشر شده است. این مجموعه در هفتاد صفحه، دزبرگیرنده پنجاه و پنج قطعه شعر سپید کوتاه است که می‌توان آنها را در زمره عاشقانه‌های آرام و عقیف فارسی دانست که به‌گونه‌ای از نثر ابدی نزدیکند، یا دست‌کم باید آنها را جزو نمونه‌های سالم جریان سادهنویسی قلمداد کرد که کمترین فاصله‌گیری را از زبان معیار و معمول و متعارف کاربران عادی زبان فارسی دارند.

عاشقانه‌سرایی در این مجموعه، از نوع عاشقانه‌های فراقی است، اما این عاشقانه‌های فراقی، شکوآلود و گلابه‌وار نیست، عتاب‌آلود نیستند. شاعر تنها به بیان موقعیت عاطفی خود می‌پردازد و از مخاطب شعرهایش توقعی ندارد که برآورده نشدن آن‌ها، او را به عتاب و گلایه وادارد، یا برآورده شدن آن‌ها، شادمانش کند. تنها گاهی از بی‌تفاوتی مخاطبش نسبت به این فراق، یا بهتر است بگوییم نسبت به این نرسیدن، تعجب می‌کند.

مژده لواسانی در این مجموعه نیز همچون سروده‌های کتاب قبلی خود، پیوندی نوشتاری با طبیعت دارد و این طبیعت، یک طبیعت تقویمی است؛ یعنی او دقیقاً سه ماه تقویمی از سال را به‌عنوان قید زمان عاشقانه‌هایش انتخاب کرده است و طبیعت برای او و در شعر او، اقتدر که با تکرار واژه «پاییز» و عناصر مربوط به پاییز بروز می‌یابد، نمود و بروز عینی دیگری ندارد؛ دقیقاً همان‌طور که واژه اردیبهشت در شعر او تکرار می‌شود و این واژه، صرفاً یک موقعیت تقویمی است، یک قید زمان، یک واژه که به‌عنوان قید زمان به‌کار می‌رود و نه به‌عنوان نشانه نزدیک بودن شاعر به طبیعت. عاشقانه‌های این مجموعه، عاشقانه‌هایی عقیف و دخترانه‌اند، بیانگر عشقی اصیل و نجیبانه، که در آن، وصال و فراق، بسیار کمتر از اصالت خود آن عشق، اهمیت دارند. شاعر این مجموعه، دغدغه ادبی بودن ندارد و زبان شعرهایش در ساده‌ترین و سالم‌ترین و طبیعی‌ترین شکل خود بروز یافته‌اند، با کمترین فاصله‌گیری از زبان معیار. اساساً شاعر این کتاب، دغدغه زبان‌آوری ندارد و آنچه در سرایش، بیشتر برایش اهمیت دارد، انتقال پیام است و اصراری به تمرکز مخاطب بر لایه‌های آوایی و زبانی و نوشتاری و... ندارد، بلکه ترجیح می‌دهد حرفش را صریح و ساده بگوید و با تقطیع سطرهایش، سعی می‌کند به مرزهای شعر سپید نزدیک شود.



یک نقاشی از مجموعه کمیک «تَن‌تَن» با قیمت سه میلیون و ۸۰۰ هزار دلار رکورد بالاترین رقم حراج هنر در کتاب‌های مصور را شکست.

این نقاشی اثر هنرزه، تصویرگر مشهور بلژیکی،، توسط حراج خانه آرت کوربیل در یک حراجی آنلاین به فروش رسید. این نقاشی ابرنگ و گواش متعلق به سال ۱۹۲۶ است و هنرزه آن را برای طرح روی جلد «نیلوفر آبی»، پنجمین کتاب از مجموعه کتاب‌های مصور ماجراهای تن‌تن و میلو، کشیده بود که در سال ۱۹۳۶ منتشر شد. چاپ رنگی طرح پیچیده این نقاشی آن زمان رد کرد و هنرزه آن را به ژان پُل، پسر هفت ساله کسترمن، هدیه داد. ژان پل هم آن را تا کرد و در کشویش گذاشت. این اثر پس از سال‌ها و با وجود خطوط به‌جا مانده از تاشدن، به قیمتی باورنکردنی به فروش رسید.

عسک نوشت

این نقاشی اثر هنرزه، تصویرگر مشهور بلژیکی،، توسط حراج خانه آرت کوربیل در یک حراجی آنلاین به فروش رسید. این نقاشی ابرنگ و گواش متعلق به سال ۱۹۲۶ است و هنرزه آن را برای طرح روی جلد «نیلوفر آبی»، پنجمین کتاب از مجموعه کتاب‌های مصور ماجراهای تن‌تن و میلو، کشیده بود که در سال ۱۹۳۶ منتشر شد. چاپ رنگی طرح پیچیده این نقاشی آن زمان رد کرد و هنرزه آن را به ژان پُل، پسر هفت ساله کسترمن، هدیه داد. ژان پل هم آن را تا کرد و در کشویش گذاشت. این اثر پس از سال‌ها و با وجود خطوط به‌جا مانده از تاشدن، به قیمتی باورنکردنی به فروش رسید.

کتابیه



تقدیم به ساحت مقدس حضرت فاطمه زهرا(س)

نماز آفتاب

سید حبیب حبیب پور

ای کرامت کبری ای شفاعت اعظم
غصه‌های توبیسار، شادی تواماکم
ای رسول را مادر، ای خدیجه دیگر
شد انیس تو خوا، شد کنیز تو مریم
بود عمر تو کوتاه مثل سوره «کوثر»
بود داغ‌های تو مثل «هل اتی» مبهم
آفتاب می‌تایید در نماز تو هرشب
ماهتاب می‌رویی در دعای تو هر دم
زخم و درد تو، آری می‌شکست پشت کوه
دردهای بی‌پایان، زخم‌های بی‌مرهم
چشمه حیات من! اهدنا الصراطمن!
ای شفای امروزم! ای شفیع فردایم!
ای غلام تو جبریل! روز صورا سرافیل
چشم برشمارم ای شفاعت اعظم!

۲۹ دی

در سیصد و پنجمین روز از سال نام‌های بزرگی باسطة سالروز تولد یا درگذشت‌شان ثبت شده است که می‌توانیم کمی آثار و زندگی‌شان را مرور کنیم.

تولدها

فرهاد مهرداد: خواننده و آهنگساز معروف ایران سال ۱۳۲۲ در چنین روزی به دنیا آمد. فرهاد مهرداد از کودکی به موسیقی بسیار علاقه داشت و پس از دبیرستان جدی‌تر موسیقی را دنبال کرد. به‌صورت خودآموز گیتار و پیانو را یاد گرفت و شروع به نواختن در گروه‌های کوچک هتل‌ها کرد. در سال ۱۳۴۲ وارد تلویزیون شد و هرچند ترانه‌های غیر فارسی اجرا می‌کرد اما از اواس‌تقبال شد. اجرای او در کافه کوچینی آنقدر مورد توجه قرار گرفت که به او لقب «ری چارلز ایران» را دادند. نخستین ترانه فارسی که فرهاد اجرا کرد اثر فیلمی به‌نام «پانوی زیبای من» بود و سال ۱۳۴۸ ترانه «مرد تنها» را برای فیلم «رضا موتور» خواند و بیشتر به شهرت رسید. پس از آن هم ترانه‌های «جمعه»، «آیینه‌ها»، «خسته»، «اسیر شب»، «شبانه»، «هفته خاکستری»، «گنجشک اشی مشی»، «سقف»، «آوار»، «کودکانه»، «وحدت» و «تجواری» را خواند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تا سال ۱۳۷۳ فعالیت نمی‌کرد تا اینکه آلبوم «خواب در بیداری» با صدای او منتشر شد. «برف» آخرین آلبوم فرهاد مهرداد بود و سال ۱۳۸۱ درگذشت.

خسرو سینایی: کارگردان و فیلمنامه نویس سینمای ایران؛ سال ۱۳۱۹ متولد شد. خسرو سینایی در اتریش رشته معمار ی را خواند و هم‌زمان تحصیل در رشته آهنگسازی را در دانشگاه موسیقی و هنرهای نمایشی وین آغاز کرد و پس از آن هم مشغول به تحصیل در رشته سینما شد. سال ۱۳۴۶ به ایران بازگشت و فیلم‌های کوتاه و مستندی مانند «آوایی که عتیقه می‌شود»، «سال هنر ایران»، «آن سوس هیاهو»، «ده صحنه تا اخراج»، «خانواده ایرانی»، «فرار»، «مرثیه گمشده»، «جناب دماوندی»، «تهران امروز، تصاویر یک شهر»، «سفر به تاریخ»، «نقاشی مدرن ایران»، «فعل مجنون» و «پسر، پدر و مادر» را ساخت. اولین فیلم سینمایی او «زنده باد...» نام داشت که سال ۱۳۵۸ ساخته شد و پس از آن «هیولای درون» را در سال ۱۳۶۲ ساخت. فیلم‌های «یار در خانه»، «در کوچه‌های عشق»، «کوچه پاییز»، «عروس آتش»، «مثل یک قصه»، «کویر خون» و «جزیره رنگین» دیگر فیلم‌های سینایی بودند و او ساخت فیلم‌های مستند را هم با «گفت‌وگو با سایه»، «فرش، اسب، ترکمن»، «راویان تاریخ» و «گوهایان تاریخ» ادامه داد. او برای «عروس آتش» سیمرغ بلورین بهترین فیلمنامه را از جشنواره فیلم فجر گرفت و مستند «مرثیه گمشده» را برنده نشان ویژه صلیب شوالیه جمهوری لهستان و نشان «هنرمند با افتخار» این کشور شد چون به مهاجرت لهستانی‌ها به ایران در جنگ جهانی دوم پرداخته بود. سینایی سال ۱۳۹۹ درگذشت.

کری گرانت: امروز صد و هفدهمین سالروز تولد بازیگر آمریکایی- انگلیسی مطرح جهان است. کری گرانت ابتدا با یک گروه نمایشی در انگلستان پانتومیم و آکروبات اجرا می‌کرد و سال ۱۹۲۰ با همان گروه به آمریکا رفت و در برادوی اجرا کرد. گرانت در آن بازی کرد و «حق او بد کرد»، «من فرشته نیستم» در سال ۱۹۳۳ مطرح شد و از سال ۱۹۳۶ موج دوم موفقیت‌های او با فیلم‌های «تایپر»، «حقیقت تلخ»، «داستان فیلالدیا»، «سرناد پنی»، «سوءظن» و «روزی روزگاری» آغاز شد. «شمال از شمال غربی» دیگر فیلم مطرحی است که گرانت در آن بازی کرد و برای «بی احتیاط»، «لمس سمور» و «معما» نامزد و برنده جوایزی مانند گلدن گلوب و بقتا شد. گرانت در سال ۱۹۸۶ درگذشت.

● **سالروز تولد کوین کاستنراین**گر آمریکایی، **خوسه ماریا آرگداس** نویسنده و شاعر پرویی، **حسن باستانی** نمایشنامه نویس و کارگردان و **ویوادسغیب** داستان نویس هم امروز است.

درگذشت‌ها

ماکسیم گورکی: نویسنده مشهور روس و بنیانگذار سبک ادبی واقع‌گرایی سوسیالیستی سال ۱۹۳۶ در چنین روزی درگذشت. ماکسیم گورکی متولد ۱۸۶۸ بود و سال‌ها به‌عنوان روزنامه نگار فعالیت می‌کرد. نخستین کتابش سال ۱۸۹۸ با نام «مقالات و داستان‌ها» منتشر شد و بسیار مورد توجه قرار گرفت و پس از آن نویسندگی را به طور جدی‌تر دنبال کرد. او با داستان‌هایش در زمینه سیاسی و اخلاقی هم فعالیت می‌کرد و به‌عنوان صدای طبقه فرودست جامعه شناخته می‌شد. «میراث»، «سه رفیق»، «مادر»، «یک اعتراف»، «آرتاموف‌ها»، «دوران کودکی»، «در اعماق»، «کودکان خورشید»، «بربرها»، «همسفر من»، «فروافتادگان»، «لوگراند»، «بلیس»، «زندانبان»، «نهم ژانویه» و «طوفان» بخشی از داستان‌ها و کتاب‌های گورکی هستند. او با رانامزد جایزه نوبل ادبیات شد.

● **رضاوژنده** نوازنده سنتور و **گلن فری** خواننده آمریکایی هم در چنین روزی درگذشتند.

